

Disclosure of Street Earnings

Marzieh Tohidinejad ¹

Received: 2018/11/16

Accepted: 2019/03/18

Review Paper

Abstract

Disclosure of "Street Earnings" or "Non-GAAP Earnings", probably has some roots in difficulties which GAAP imposes on preparing and disclosing financial information. Investigation of probable incentives of disclosing such information among managers, and then, observation of accounting and auditing standard setters' and also regulators' reactions to this phenomenon, extends discussions in studying accounting policies area. Furthermore, reviewing experimental researches which have examined the effect of Non-GAAP Earnings disclosure on judgements of investors and financial analysts, illustrates the behavioral effects of this new and different kind of voluntary disclosure. This study shows that managers' incentives of disclosing "Non-GAAP Earnings" and in general, "Non-GAAP financial performance metrics" could be variable from misleading users to communicating more effectively with them. Additionally, by deliberating viewpoints and reactions of accounting and auditing standard setters, it has been revealed that accepting disclosure of such metrics as a "Symptom" of need for filling the existing vacuums in accounting and auditing standards, is based on the standard setters' self-Interest.

Keywords: Financial Performance Metrics, GAAP, Non-GAAP, Street Earnings

Jel classification: M41, M42, M48



افشای «سود خیابانی»

مرضیه توحیدی نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۷

مقاله ترویجی

چکیده

افشای «سود خیابانی» یا «سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»، احتمالاً ریشه در دشواری‌هایی دارد که «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» برای مدیران واحدهای تجاری در امر تهیه و افشای اطلاعات مالی ایجاد می‌کند. بررسی انگیزه‌های احتمالی مدیران از افشای چنین اطلاعاتی و در ادامه، مشاهده واکنش‌های تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات مالی و استانداردهای حسابداری و حسابرسي به این پدیده، مباحث حوزه سیاست‌های حسابداری را بسط می‌دهد. علاوه بر این، مرور پژوهش‌های تجربی که به مطالعه تأثیر افشای سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی پرداخته‌اند، اثرات رفتاری این بخش نوین و متفاوت افشائات اختیاری مدیران را خلاصه‌وار آشکار می‌سازد. این پژوهش، نشان می‌دهد که انگیزه مدیران از افشای سود و به‌طور کلی معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، می‌تواند از گمراه‌کنندگی تا آگاهی‌بخشی، در نوسان باشد. همچنین، با بررسی دیدگاه و واکنش نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری و حسابرسي می‌توان دریافت که پذیرش افشای چنین معیارهایی به‌عنوان نشانه‌ای برای نیاز به پُر کردن خلاءهای احتمالی موجود در استانداردهای حسابداری و حسابرسي، ریشه در منافع شخصی اعضای این نهادها دارد.

واژه‌های کلیدی: اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی، سود خیابانی، غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی، معیارهای عملکرد مالی

طبقه‌بندی موضوعی: M48, M42, M41

DOI: 10.22051/ijar.2020.23136.1453

^۱ دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، نویسنده مسئول، (Mtohidinejad@yahoo.com).
<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

پس از معرفی معیارهای سنتی عملکرد در گزارشگری مالی واحدهای تجاری از گذشته‌های بسیار دور (مانند درآمد و سود)، این بار معیاری جوان و متمایز در کشورهای نظیر آمریکا و بریتانیا پدیدار شده است: «سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»^۱. از نام و شهرت این معیار هویداست که دلیل اصلی توگد آن، ریشه در عدم پذیرش بنیان محاسباتی سایر معیارهای عملکرد مالی دارد و این بنیان چیزی نیست مگر «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»^۲. اهمیت تخطی از این اصول برای حسابداران، حسابرسان و نهادهای تدوینگر استانداردهای حسابداری، به‌خوبی خود را در عنوان جایگزین آن، یعنی «سود خیابانی»^۳ (چن، ۲۰۱۰)، نمایان می‌سازد.

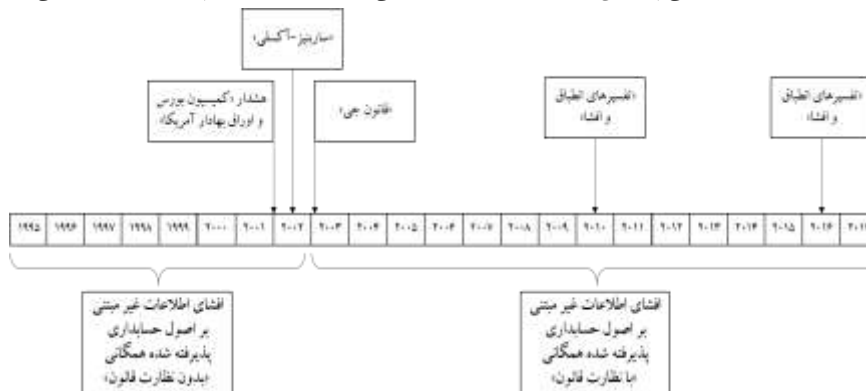
با این مقدمه، پژوهش حاضر بر پدیده افشای سود و به‌طور کلی، معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی متمرکز است. بررسی این پدیده از ابعاد مختلف حائز اهمیت است. اول، از جایی که شکل‌گیری و انتشار علنی معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، حاوی یک انتقاد عمده نسبت به «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» است و مشاهده واکنش نهادهای تدوینگر استانداردهای حسابداری (مانند «هیئت استانداردهای حسابداری مالی ۴» آمریکا و «هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی ۵») و همچنین نهادهای قانون‌گذار و ناظر بر بازار سرمایه (مانند «کمیسیون بورس و اوراق بهادار» آمریکا)، که این اصول را به‌عنوان چارچوب ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها پذیرفته‌اند، خالی از لطف نخواهد بود. عکس‌العمل این نهادها بی‌شک حاوی درس‌هایی است که یادگیری آنها مانع از تکرار تاریخ می‌شود. دوم، اگر «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» را به‌عنوان مهم‌ترین ملاک قضاوت و اظهارنظر حسابرسان بپذیریم، قبول این مطلب تسهیل می‌شود که افشای برون سازمانی معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری به حسابرسان و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی نیز مربوط می‌شود. سوم، مرور و تلخیص پیشینه پژوهش مرتبط با موضوع نیز تا حدودی انگیزه‌های احتمالی پنهان در پس پرده افشای معیارهای مالی عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری، چگونگی تأثیرپذیری چنین افشائاتی از قوانین و مقررات مرتبط و در نهایت، میزان تأثیرپذیری فرآیند حسابرسی و تصمیمات و قضاوت‌های سرمایه‌گذاری از افشای چنین معیارهایی را آشکار می‌سازد.

ادامه این پژوهش به شرح زیر سازمان یافته است. در بخش دوم، سیر تاریخی تدوین و تصویب قوانین و مقررات پیرامون افشای معیارهای غیرمبتنی بر اصول حسابداری ارائه شده است. در بخش‌های سوم و چهارم، به ترتیب واکنش تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی نسبت به افشای این معیارها شرح داده شده است. در بخش پنجم و ششم، پیشینه پژوهش‌های مرتبط، به صورت طبقه‌بندی شده گزارش شده است. در بخش آخر نیز، بحث و نتیجه‌گیری‌ها تقریر خواهد شد.

مقررات و استانداردهای مرتبط

افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ در آمریکا آغاز شد و همچنان تا به امروز ادامه دارد. با وجود کوتاه بودن عمر معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، سال‌هاست که از الزامات قانونی به منظور محدود یا حتی متوقف ساختن رشد و گسترش افشای این معیارها استفاده شده است. گزیده نقاط زمانی حاوی فعالیت‌های قانون‌گذاری در رابطه با افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری در کشور آمریکا، در نگاره (۱) به نمایش درآمده است.

نگاره (۱): الزامات قانونی پیرامون افشای اطلاعات «غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»



منبع: بلک و کریستنسن (۲۰۱۸)

از سال ۱۹۹۵ تا سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰، افشای معیارهای عملکرد مالی با پسوند «غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»، بدون هیچ نظارت قانونی انجام می‌شده است. در این برهه زمانی، معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری نسبتاً غیرمعمول، مبهم و

غیرقابل کنترل بوده و در صنایعی خاص افشا می‌شدند، اما به مرور زمان، تدوین کنندگان قوانین مالی و استانداردهای حسابداری، تردید خود را نسبت به انگیزه‌های پشت پرده افشای چنین اطلاعاتی بیان داشتند. این تردیدها با پشتوانه این استدلال مطرح می‌شدند که اقلام کاهنده سود با هدف ارائه تصویری خوش‌بینانه‌تر از عملکرد مالی شرکت، از محاسبات حذف می‌شوند. به باور لین ترنز، رئیس سابق حسابداری کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری، «همه چیز را به استثنای اقلام بد» گزارش می‌کند (داوجونز، ۲۰۰۱). در پی فروپاشی‌های مالی عظیم و افزایش تردیدها در رابطه با شفافیت مالی، «کمیسیون بورس و اوراق بهادار» آمریکا نیز نگرانی‌های عمده‌ای نسبت به افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری و گمراه‌کنندگی بالقوه آنها ابراز کرد (داوجونز، ۲۰۰۱)؛ کمیسیون بورس اوراق بهادار، (۲۰۰۱). به صورت اختصاصی، این کمیسیون اقدام به انتشار «توصیه احتیاطی ۸» در سال ۲۰۰۱ کرد. متن این توصیه حاوی هشدار برای سرمایه‌گذاران در رابطه با قابلیت اتکای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری بود.

در ادامه، با تصویب «قانون ساربنیز-آکسلی ۹» در ۳۰ جولای سال ۲۰۰۲، تمهیدات ویژه‌ای برای رسیدگی به مسئله گمراه‌کنندگی بالقوه معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری در نظر گرفته شد. کنگره آمریکا بخش ۴۰۱ (ب) این قانون را به نگرانی‌ها پیرامون افشای این معیارها اختصاص داده است. علاوه بر این، قانون ساربنیز-آکسلی به کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا دستور داد تا با هدف محدود ساختن چنین افشائاتی، ضوابط ویژه‌ای تدوین کند. در نتیجه، این کمیسیون اقدام به تدوین «قانون جی ۱۰» در مارس ۲۰۰۳ کرد. مطابق قانون جی، شرکت‌های منتشرکننده معیارهای عملکرد مالی با پسوند «غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»، ملزم به ارائه مقایسه‌ای آنها در کنار نزدیکترین همتای مبتنی بر اصول حسابداری این اطلاعات شدند. بنابراین، افشای محاسبات به نحوی الزامی شد که امکان تبدیل سود غیرمبتنی به سود مبتنی بر اصول حسابداری را در قالب یک فرمول ساده در اختیار کاربران قرار دهد. بر مبنای قانون جی، این فرمول لازم است به روشنی گویای اقلامی باشد که در محاسبه سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری لحاظ نمی‌شوند. یادآوری این نکته ضرورت دارد که نیت اولیه اجرای قانون جی، اعمال محدودیت شدید بر افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری و یا حتی حذف چنین افشائاتی بوده است.

از طریق قانون جی، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا در صدد پاسخ به پرسش‌های مرتبط با افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری برآمد که در جولای ۲۰۱۰ و سپس در می ۲۰۱۶ از طریق «تفسیرهای انطباق و افشا ۱۱» منتشر کرده بود. آخرین نسخه تفسیر انطباق و افشا در رابطه با افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری در سال ۲۰۱۶، اصلاح معیارهای ناسازگار با قوانین مرتبط را به خود شرکت‌ها واگذار کرده است (بلک و همکاران، ۲۰۱۸). علاوه بر تدوین قانون جی و تفسیرهای انطباق و افشا، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا اقدام به تشکیل کارگروهی با هدف بررسی دقیق افشائات غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی نمود (راپاپورت، ۲۰۱۳).

دیدگاه و واکنش‌های تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری

«هیئت استانداردهای حسابداری مالی» آمریکا، از زاویه دید متفاوتی به افزایش افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری می‌نگرد. دغدغه اصلی اعضای این هیئت، تمرکز بر این پرسش است که آیا افزایش مداوم افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری توسط شرکت‌ها، نشان‌دهنده نیاز به تغییر یا تجدید ساختار صورت سود و زیان و تجزیه بیشتر اطلاعات موجود در این صورت مالی است؟ در صورتی که برای این معیارها تقاضا وجود داشته باشد، تجزیه بیشتر اطلاعات موجود در صورت سود و زیان، به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان در محاسبه معیارهای عملکرد مالی مورد نظر خود و همچنین قضاوت بهتر نسبت به سایر اطلاعات مالی ارائه شده توسط مدیر، یاری می‌رساند (سیگل، ۲۰۱۴؛ لینسمیر، ۲۰۱۶). بنابراین، اخیراً پروژه‌ای خاص به منظور تعیین سطح بهینه تجزیه و تفکیک اطلاعات صورت سود و زیان یا سایر قسمت‌های گزارشگری مالی، در دستورکار هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا قرار گرفته است. رئیس هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، راسل گولدن ۱۲، بر این باور است که افشای اطلاعات غیرمبتنی بر اصول حسابداری، می‌تواند نمایانگر تقاضای بازار برای بهبود «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» باشد. پس یکی از نقطه‌های یادگیری مهم برای هیئت، در چگونگی برقراری ارتباط میان شرکت‌ها و ذینفعان از طریق افشای اطلاعات غیرمبتنی بر اصول حسابداری است (گولدن، ۲۰۱۷).

در مقام مقایسه، «هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی» در سطح جهانی، ارائه معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری را در متن صورت سود و زیان مجاز می‌داند (استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳). این کار منجر به یکسان‌سازی اولویت اطلاعات عملکرد مبتنی و غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری بین‌المللی شد. یونگک (۲۰۱۴) بر این باور است که «مقررات اوراق بهادار بین‌المللی، محدودیتی برای افشای اطلاعات غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری ایجاد نمی‌کند» و شرکت‌ها می‌توانند «سود غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری را در گزارش‌های مالی حسابرسی نشده، بدون ارائه تعریف و توضیح، ارائه نمایند».

در حالی که هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری را تهدیدی برای یکپارچگی گزارش‌های مالی مبتنی بر استانداردهای حسابداری بین‌المللی به حساب می‌آورد (هوگوروست، ۲۰۱۵؛ شامسکی، ۲۰۱۶)، با آغوشی باز پذیرای ایده «یادگیری از ارائه اطلاعات غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری» است. داشتن این تفکر، به این هیئت در یافتن خلاءهای احتمالی موجود در استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی یاری می‌رساند. در عین حال، هوگوروست ۱۳، به‌عنوان رئیس هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، توجه به نکات زیر را حائز اهمیت می‌داند (هوگوروست، ۲۰۱۵):

(۱) مبلغ معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری از هم‌تایان مبتنی بر استانداردهای حسابداری بیشتر است؛

(۲) معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری گمراه‌کننده هستند؛

(۳) اقلام هزینه‌های تکرارشونده از محاسبات مربوط به معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری حذف می‌شوند؛ و

(۴) معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری در گزارش‌های مالی، برتری ناروایی نسبت به معیارهای عملکرد مالی مبتنی بر استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی دارند.

در آخر، هوگوروست (۲۰۱۵) بر این باور است که برقراری انضباط بیشتر در افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر استانداردهای حسابداری، به نفع سرمایه‌گذاران خواهد بود.

دیدگاه و واکنش‌های حسابرسان و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری

در حالی که بررسی اعلامیه‌های سود، شامل معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، در حیطه وظایف حسابرسی قرار ندارد، شواهد نشان می‌دهد که این اعلامیه‌ها به‌طور منظم و قبل از انتشار عمومی، توسط حسابرسان مطالعه و بررسی می‌شوند. بنابراین، چنین اطلاعاتی به صورت غیررسمی بررسی شده و مشمول گواهی و اظهارنظر حسابرس نمی‌شوند. افزون بر اعلامیه‌های سود، معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری را می‌توان در فرم‌های «۱۰-کا» و «۱۰-کیو» کشور آمریکا نیز مشاهده کرد. حسابرسان ملزم به مطالعه «سایر اطلاعات مالی» موجود در این فرم‌ها هستند تا نسبت به منطقی بودن و سازگاری این اطلاعات با صورت‌های مالی حسابرسی شده اطمینان نسبی حاصل نمایند. نتیجه بررسی «سایر اطلاعات مالی» در فرم‌های «۱۰-کا» و «۱۰-کیو»، گزارشی است که در اختیار کمیته حسابرسی و نه در اختیار عموم، قرار می‌گیرد. بنابراین، هر نوع رسیدگی معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، در حال حاضر به صورت غیررسمی انجام می‌شود، اما طی سال‌های اخیر، «هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام ۱۶»، به‌عنوان نهاد تدوینگر استانداردهای حسابداری آمریکا، پرسش روبرو را مطرح ساخته است: آیا نیاز است که حسابرسان نقش پُررنگ‌تری را در بررسی یا حتی گواهی اطلاعات مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری ایفا کنند؟

پیشینه پژوهش‌های اثباتی

پژوهش‌های آغازین حوزه گزارشگری معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، بر انگیزه مدیران از تهیه و انگیزه تحلیلگران از کاربرد این معیارها، متمرکز است (مانند، بردشاو و اسلون، ۲۰۰۲؛ براون و شیواکومار، ۲۰۰۳؛ باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۳؛ لوگی و مارکوارت، ۲۰۰۵). جو روانی ایجاد شده توسط قانون‌گذاران و رسانه اطلاعات مالی آمریکا، باعث شد تا بسیاری از پژوهش‌های اوایل دهه ۲۰۰۰، در حوزه افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، با هدف شناسایی مصادیق گزارشگری سلطه‌جویانه و معرفی مدیران فرصت‌طلب انجام شوند. برای مثال، باون و همکاران (۲۰۰۵) و الیوت (۲۰۰۶) به این نتیجه دست یافتند که برخی از مدیران در رسانه‌های اطلاعات مالی، تأکید راهبردی خود را در مقایسه با اعداد مبتنی بر اصول حسابداری، بر معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری متمرکز می‌سازند (باون و همکاران، ۲۰۰۵؛ الیوت، ۲۰۰۶). همچنین، بلک و

کریستنسن (۲۰۰۹) نشان دادند که اغلب مدیران، «زیان» مبتنی بر اصول حسابداری را به «سود» غیرمبتنی بر اصول حسابداری تبدیل می‌کنند. کورتیس و همکاران (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه‌گیری دست یافتند که اقلام کاهنده سود از محاسبات سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری حذف و در مقابل اقلام افزایشدهنده آن حفظ می‌شود.

برخلاف پژوهش‌های نخستین بالا، بخش عمده‌ای از مطالعات سال‌های اخیر چنین استنتاج می‌کند که اکثر مدیران و تحلیلگران مالی از معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، برای نمایش بهتر عملیات پایدار شرکت استفاده می‌کنند (کورتیس و همکاران، ۲۰۱۴؛ بلک و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، در حالی که منتقدان، در جستجوی نمونه‌هایی از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران با شواهد حاصل از معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری برمی‌آیند، مطالعات سال‌های اخیر به این مطلب اشاره دارند که اغلب این معیارها از ویژگی آگاهی‌بخشی تا گمراه‌کنندگی، برخوردارند.

جریان پژوهشی دیگری نیز وجود دارد که چگونگی تأثیر «قانون جی» بر کیفیت افشای اطلاعات مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری را بررسی می‌کند. تعدادی از این پژوهش‌ها، بلافاصله پس از اجرای قانون جی انجام و کاهش فراوانی افشای اطلاعات غیرمبتنی بر اصول حسابداری را مستند نموده‌اند (نیکولز و همکاران، ۲۰۰۵؛ مارکوئز، ۲۰۰۶؛ انتویسل و همکاران، ۲۰۰۶؛ هفلین و هسو، ۲۰۰۸)، اما گذر زمان و اجرای پژوهش‌های بعدی، موقتی بودن این کاهش را نشان داد. افزایش مداوم افشای این اطلاعات، پس از کاهش موقتی حاصل از اجرای قانون جی، در دو مطالعه بلک و همکاران (۲۰۱۲) و بنتلی و همکاران (۲۰۱۸) به خوبی مستند شده است.

علاوه بر تغییر فراوانی افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، تعدادی از مطالعات، افزایش کیفیت افشای این معیارها پس از اجرای قانون جی را مطرح ساخته‌اند (انتوسل و همکاران، ۲۰۰۶؛ هفلین و هسو، ۲۰۰۸؛ کولف و همکاران، ۲۰۰۸؛ وانگ، ۲۰۱۴؛ ویپل، ۲۰۱۶؛ بلک و همکاران، ۲۰۱۷). برای مثال، در پژوهش کولف و همکاران (۲۰۰۸) مشخص شد که علاوه بر افزایش کیفیت معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، افشای چنین معیارهایی که پیش از اجرای قانون جی دارای پایین‌ترین سطح کیفیت بودند، پس از اجرای این قانون به کلی متوقف شدند. تعدادی از پژوهش‌ها نیز واکنش بیشتر سرمایه‌گذاران

نسبت به سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری در مقایسه با سود مبتنی بر اصول حسابداری، پس از اجرای این قانون را معتبر ساخته‌اند (مارکوئز، ۲۰۰۶؛ بلک و همکاران، ۲۰۱۲). شواهد نشان می‌دهد که اجرای قانون جی، منجر به کاهش احتمال قیمت‌گذاری نادرست سهام شرکت‌ها (ژانگ و ژانگ، ۲۰۱۱) و همچنین گمراهی سرمایه‌گذاران شده است (جنینگز و مارکوئز، ۲۰۱۱). تعدادی از پژوهش‌های اخیر نیز انتشار تفسیرهای انطباق و افشا پس از اجرای قانون جی را عامل بهبود مستمر کیفیت افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری عنوان کرده‌اند (برای نمونه، باند و همکاران، ۲۰۱۷؛ لویثون، ۲۰۱۷؛ کیئونگ و وینتروپ، ۲۰۱۶). پژوهش‌های دیگر، اثرگذاری نظرنامه‌های کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا بر کیفیت افشای این اطلاعات را مورد توجه قرار داده‌اند (چن و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال، گومز و همکاران (۲۰۱۷) بعضی از دستورالعمل‌های کمیسیون بورس و اوراق بهادار را عامل کاهش سودمندی اطلاعات غیرمبتنی بر اصول حسابداری شناسایی کرده‌اند.

در آخر، تعداد بسیار محدودی از پژوهش‌ها، روابط متقابل میان فرآیند حسابرسی و افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری را مدنظر قرار داده‌اند. مطالعه هالمن و همکاران (۲۰۱۷) یکی از معدود پژوهش‌هایی است که در آن به ارزیابی تأثیر افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری بر فرآیند حسابرسی در بریتانیا پرداخته است. این پژوهش حول این پرسش شکل گرفته است که «آیا افشای اطلاعات سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری، منجر به کاهش محافظه‌کاری در قضاوت‌های حسابرسی در رابطه با تعیین آستانه کمی اهمیت می‌شود؟». یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گزارش برون-سازمانی سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری، می‌تواند منجر به کاهش محافظه‌کاری در قضاوت‌های مرتبط با سطح اهمیت و متعاقباً کاهش کیفیت حسابرسی شود.

پیشینه پژوهش‌های رفتاری

در کنار پژوهش‌های اثباتی، تعداد محدودی از پژوهش‌ها به صورت «تجربی» به مطالعه تأثیر افشای معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری بر رفتار و قضاوت‌های سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی پرداخته‌اند. فردریکسون و میلر (۲۰۰۴)، به‌عنوان اولین پژوهش تجربی در این حوزه، درصدد ارائه پاسخ به این سؤال برآمدند که آیا «افشائات مبالغه‌فرضی

سود ۱۸» یا همان سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری بر قضاوت قیمت گذاری سهام شرکت توسط سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای و تحلیلگران مالی اثرگذار است؟ نتایج این مطالعه نشان داد که پس از دریافت اطلاعات سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری که مبلغی بیشتر از سود مبتنی بر اصول حسابداری را نشان می‌دهد، قیمت گذاری بالاتر سهام توسط سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای رخ می‌دهد، اما ارائه این اطلاعات تأثیری بر قیمت گذاری توسط تحلیلگران مالی ندارد. بنابراین، با توجه به استفاده سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای و تحلیلگران مالی از مدل‌های متفاوت ارزشگذاری و پردازش اطلاعات، قضاوت‌های سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای بیشتر تحت تأثیر افشای چنین اطلاعات اختیاری قرار می‌گیرد.

الیوت (۲۰۰۶) تأثیر دو عامل تأکید و برجسته‌سازی معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری توسط مدیر و تجدید ارائه ارقام سود بر قضاوت‌های سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای و تحلیلگران مالی را بررسی کرده است. نتایج طرح تجربی اجرا شده در این پژوهش نشان می‌دهد که این دو عامل باعث می‌شود که سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای، عملکرد سود را پایین‌تر ارزیابی کرده و با احتمال و مبلغ پایین‌تری اقدام به سرمایه گذاری کنند. این در حالی است که تحلیلگران مالی تحت تأثیر این دو عامل، عملکرد سود را بالاتر ارزیابی کرده و با احتمال و مبلغ بالاتری اقدام به سرمایه گذاری نمودند.

از زاویه دید متفاوتی، دیلا و همکاران (۲۰۱۳) تأثیر بازنمایی گرافیکی سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری، در مقایسه با ارائه آن در قالب متن، بر قضاوت سرمایه گذاران حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای را ارزیابی کرده‌اند. استدلال این مطالعه بر این است که سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای، به واسطه سطح برجستگی بالاتر، بیشتر بر بازنمایی‌های گرافیکی سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری تکیه کرده و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. نتایج این مطالعه از این استدلال حمایت کرده و نشان می‌دهد که پس از دریافت بازنمایی گرافیکی سود غیرمبتنی بر اصول حسابداری که مبلغی بیشتر از سود مبتنی بر اصول حسابداری را نشان می‌دهد، قضاوت سرمایه گذاران غیر حرفه‌ای در رابطه با سود سال جاری بیش از زمانی است که بازنمایی گرافیکی، تنها شامل سود مبتنی بر اصول حسابداری است. این در حالی است که قضاوت سود سرمایه گذاران حرفه‌ای تحت تأثیر بازنمایی گرافیکی قرار نمی‌گیرد.

در آخر، هوگان و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر دو شکل خلاصه و کامل معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران را بررسی کرده‌اند. برای این منظور، در شکل کامل، یک صورت سود و زیان کامل غیرمبتنی بر اصول حسابداری ارائه می‌شود، حال آنکه در شکل خلاصه، تنها اقلیمی که بین معیارهای غیرمبتنی بر اصول حسابداری و معیارهای مبتنی بر اصول حسابداری اختلاف ایجاد می‌کند، ارائه می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شکل خلاصه اطلاعات معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری، در مقایسه با شکل کامل آن، منجر به افزایش اهمیت این اطلاعات در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری شده است.

به‌طور خلاصه، پژوهش‌های تجربی در حوزه افشای اختیاری معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران، به‌ویژه سرمایه‌گذاران غیر حرفه‌ای، تحت تأثیر این افشائیات، برجسته‌سازی و حتی شکل ارائه آنها قرار گرفته و تصمیمات سرمایه‌گذاری متفاوتی اتخاذ می‌کنند.

نتیجه‌گیری

سال‌هاست که «سیاست‌های حسابداری ۱۹» بیانگر روش‌های بکارگیری «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» است که مدیریت هر واحد تجاری با توجه به شرایط و اهداف ارائه گزارش‌های مربوط به وضع مالی، تغییر در وضع مالی و نتیجه عملیات مناسب دانسته و بر همین اساس، صورت‌های مالی تهیه و ارائه شده‌اند. از جایی که پدیده افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، از بدو نام‌گذاری، با «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» ناسازگار نمایان شده، می‌توان مطالعه آن را در زمره پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌های حسابداری قرار داد.

برگزیدن پسوند «غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی» برای افشای اطلاعات مالی، به‌خوبی حکایت از اختلاف‌نظر میان مدیران واحدهای تجاری و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری دارد. این اختلاف‌نظر ریشه در محدودیت‌های ناخوشایندی دارد که به وسیله استانداردهای حسابداری به مدیران تحمیل می‌شود و حق انتخاب و آزادی آنها در تهیه و افشای اطلاعات مالی در چارچوب اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی را تا حدود زیادی

سلب می‌کند، اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که هدف اولیه تدوین «اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»، مرزبندی انتخاب‌های مدیران واحدهای تجاری در حوزه تهیه و افشای اطلاعات است. بنابراین، پس از مطالعه پسوند «غیرمبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی»، اولین چیزی که به ذهن حسابداران، حسابرسان یا تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی متبادر می‌شود، این مسئله است: «اصلاً چرا تعداد کثیری استاندارد حسابداری تدوین شده؟ در حالی که به راحتی با یک پسوند بسیار ساده، نادیده گرفته می‌شوند».

دیدگاه و واکنش گروه‌های مختلف در رابطه با این مسئله، جالب توجه است. انتظار بر این است که نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، با سوءظن همیشگی و بی‌پایان خود، با این پدیده برخورد نمایند، اما اعضای این نهادها تاکنون بر این نکته تأکید کرده‌اند که پدیده افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، چیزی نیست مگر «نشانه‌ای» برای کار و تلاش بیشتر، با هدف پوشش «خلاءهای احتمالی استانداردهای حسابداری».

به عنوان بخشی از جامعه کاربران اطلاعات مالی، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی تحت تأثیر افشای معیارهای عملکرد غیرمبتنی بر اصول حسابداری قرار گرفته و غیرحرفه‌ای‌ترها خوش‌بینانه تر اقدام به قضاوت و سرمایه‌گذاری می‌کنند. حسابرسان و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز، اهمیت گواهی و اظهارنظر در رابطه با معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری را گوشزد می‌کنند. بنظر می‌رسد که در نظر گرفتن «منافع شخصی ۲۰» (ایجاد اشتغال) است که واکنش این گروه‌ها را چنین شکل داده است.

این دیدگاه‌ها در شرایطی شکل گرفته که اولین پاسخ عملی به مسئله مطرح شده، توسط نهادهای دولتی تدوین‌کننده مقررات مرتبط با افشای اطلاعات مالی، مانند کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، «شرط لازم برای افشای معیارهای عملکرد مالی غیرمبتنی بر اصول حسابداری، الصاق آنها به اطلاعات مرتبط مبتنی بر اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی است» فراهم شده است. بنابراین، سیاست کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، بازگشت به استانداردهای حسابداری فعلی و تداوم استفاده و قدردانی از این استانداردها است.

پی‌نوشت

۱	Non-GAAP Earnings	۱۱	Compliance and Disclosure Interpretations (C&DIs)
۲	Generally Accepted Accounting Standards (GAAP)	۱۲	Russell Golden
۳	Street Earnings	۱۳	Hoogervorst
۴	Financial Accounting Standards Board (FASB)	۱۴	10-K
۵	International Accounting Standards Board (IASB)	۱۵	10-Q
۶	Security and Exchange Commission (SEC)	۱۶	Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)
۷	Lynn Turner	۱۷	Experiment
۸	Cautionary Advice	۱۸	Pro Forma Earnings Disclosures
۹	Sarbanes-Oxley Act (SOX)	۱۹	Accounting Policies
۱۰	Regulation G	۲۰	Self-Interest

منابع

- Bentley, J. W., Christensen, T. E., Gee, K. H., & Whipple, B. C. (2018). Disentangling managers' and analysts' non-GAAP reporting. *Journal of Accounting Research*, 56(4), 1039-1081.
- Bhattacharya, N., Black, E. L., Christensen, T. E., & Larson, C. R. (2003). Assessing the relative informativeness and permanence of pro forma earnings and GAAP operating earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 36(1-3), 285-319.
- Black, D. E., Black, E. L., Christensen, T. E., & Heninger, W. G. (2012). Has the regulation of pro forma reporting in the US changed investors' perceptions of pro forma earnings disclosures?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 39(7-8), 876-904.
- Black, D. E., & Christensen, T. E. (2009). US managers' use of 'pro forma' adjustments to meet strategic earnings targets. *Journal of Business Finance & Accounting*, 36(3-4), 297-326.
- Black, D. E., Christensen, T. E., Ciesielski, J. T., & Whipple, B. C. (2018). Non-GAAP reporting: Evidence from academia and current practice. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45(3-4), 259-294.
- Black, E. L., Christensen, T. E., Kiosse, P. V., & Steffen, T. D. (2017). Has the regulation of non-GAAP disclosures influenced managers' use of aggressive earnings exclusions?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 32(2), 209-240.
- Bond, D., Czernkowski, R., Lee, Y. S., & Loyeung, A. (2017). Market reaction to non-GAAP earnings around SEC regulation. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(3), 193-208.

- Bowen, R. M., Davis, A. K., & Matsumoto, D. A. (2005). Emphasis on pro forma versus GAAP earnings in quarterly press releases: Determinants, SEC intervention, and market reactions. *The Accounting Review*, 80(4), 1011-1038.
- Bradshaw, M. T., & Sloan, R. G. (2002). GAAP versus the street: An empirical assessment of two alternative definitions of earnings. *Journal of Accounting Research*, 40(1), 41-66.
- Brown, L. D., & Sivakumar, K. (2003). Comparing the value relevance of two operating income measures. *Review of Accounting Studies*, 8(4), 561-572.
- Chen, C. Y. (2010). Do analysts and investors fully understand the persistence of the items excluded from Street earnings?. *Review of Accounting Studies*, 15(1), 32-69.
- Chen, H., Lee, Y., & Lo, S. (2017). The Information Quality of Non-GAAP Disclosures. Working Paper.
- Curtis, A. B., McVay, S. E., & Whipple, B. C. (2014). The disclosure of non-GAAP earnings information in the presence of transitory gains. *The Accounting Review*, 89(3), 933-958.
- Dilla, W. N., Janvrin, D. J., & Jeffrey, C. (2010). The impact of graphical displays of pro forma earnings information on professional and nonprofessional investors' earnings judgments. *Behavioral Research in Accounting*, Forthcoming.
- Jones, D. (2001). Company Inc.(2001), 'SEC Probes 4 Firms for Possible Abuses of Pro-Forma Results'. Dow Jones Newswires.
- Elliott, W. B. (2006). Are investors influenced by pro forma emphasis and reconciliations in earnings announcements?. *The Accounting Review*, 81(1), 113-133.
- Entwistle, G. M., Feltham, G. D., & Mbagwu, C. (2006). Financial reporting regulation and the reporting of pro forma earnings. *Accounting Horizons*, 20(1), 39-55.
- Frederickson, J. R., & Miller, J. S. (2004). The effects of pro forma earnings disclosures on analysts' and nonprofessional investors' equity valuation judgments. *The Accounting Review*, 79(3), 667-686.
- Golden, R. (2017). Why the FASB cares about non-GAAP performance measures. FASB Outlook: From the Chairman's Desk Q, 1, 2017.
- Gomez, E., Heflin, F., & Wang, J. (2018). Information environment consequences of SEC non-GAAP comment letters. Available at SSRN 3044026.
- Hallman, N., Schmidt, J., & Thompson, A. (2017). Does Company Reporting of Non-GAAP Earnings Result in Less Conservative Auditor Materiality Judgments? Evidence from the UK. Working paper.
- Heflin, F., & Hsu, C. (2008). The impact of the SEC's regulation of non-GAAP disclosures. *Journal of Accounting and Economics*, 46(2-3), 349-365.
- Hogan, B. R., Krishnamoorthy, G., & Maroney, J. J. (2017). Pro forma earnings presentation effects and investment decisions. *Behavioral Research in Accounting*, 29(2), 11-24.
- Hoogervorst, H. (2015). mind the Gap (Between non-GAAP and GAAP). March, 31, 2015.

- Jennings, R., & Marques, A. (2011). The joint effects of corporate governance and regulation on the disclosure of manager- adjusted non- GAAP earnings in the US. *Journal of Business Finance & Accounting*, 38(3- 4), 364-394.
- Kolev, K., Marquardt, C. A., & McVay, S. E. (2008). SEC scrutiny and the evolution of non- GAAP reporting. *The Accounting Review*, 83(1), 157-184.
- Kyung, H., & Weintrop, J. (2013, October). The Economic Consequences of SEC Interpretive Guidance and the Effects on Firm Behavior: Evidence of Non-GAAP Earnings Disclosure. In CAAA Annual Conference.
- Leone, M. (2010). What's on the SEC's radar. CFO. com.
- Linsmeier, T. J. (2016). Revised model for presentation in statement (s) of financial performance: Potential implications for measurement in the conceptual framework. *Accounting Horizons*, 30(4), 485-498.
- Lougee, B. A., & Marquardt, C. A. (2004). Earnings informativeness and strategic disclosure: An empirical examination of "pro forma" earnings. *The Accounting Review*, 79(3), 769-795.
- Marques, A. (2006). SEC interventions and the frequency and usefulness of non-GAAP financial measures. *Review of Accounting Studies*, 11(4), 549-574.
- Nichols, N. B., Gray, S. J., & Street, D. L. (2005). Pro Forma adjustments to GAAP earnings: Bias, materiality, and SEC action. *Research in Accounting Regulation*, 18, 29-52.
- Rapoport, M. (2013). SEC task force probes use of non-GAAP metrics: hot technology IPOs have brought more focus to accounting issues. *Wall Street Journal*.
- Securities and Exchange Commission (SEC) (2001). SEC Cautions Companies, Alerts Investors to Potential Dangers of "Pro Forma" Financials. Press Release 2001-144', December 4, 2001.
- Shumsky, T. (2016). IASB chair rings alarm over use of non-GAAP measures. *The Wall Street Journal* online.
- Siegel, M. (2014). For the investor: The use of non-GAAP metrics. *FASB Outlook Q*, 4.
- Wang, G. (2014). The presentation arrangements of pro forma earnings disclosures: Managerial incentives and market responses. *Accounting and Finance Research* (2014).
- Whipple, B. C. (2015). The great unknown: Why exclude "other" items from non-GAAP earnings calculations in the post-reg G world?. Available at SSRN 2480663.
- Young, S. (2014). The drivers, consequences and policy implications of non-GAAP earnings reporting. *Accounting and Business Research*, 44(4), 444-465.
- Zhang, H., & Zheng, L. (2011). The valuation impact of reconciling pro forma earnings to GAAP earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 51(1-2), 186-202.